

موشک جواب موشک



هومان طاهری (پایه هفتم)

نسبت ایثارگری (پدر بزرگ)

امیرعلی قربانیان (پایه هفتم)

نسبت ایثارگری (پدر) ۴۵٪

حسین رئیسی (پایه هفتم)

نسبت ایثارگری (پدر) ۵۰٪



دیبرستان دوره اول شاهد
استان سمنان - شهرستان دامغان



مقدمه

مقربان بزم محبت الهی همواره گمنامانی هستند از جنس ایمان و اخلاص، گمنامانی که خداوند غیور ایشان را صرفاً برای بزم انس و محبت خود آفریده. همان‌ها که زمان هستی بخشیدنشان فرمود فتبارک الله احسن الخالقین. آری خدای متعال چه حظی میبرد از آفریدنشان، چه مباحثاتی میکند به داشتیشان و چه برکتی نازل می‌کند به خاطر وجودشان...

در این نشریه قصد داریم طبق فرمایش حضرت آیت الله خامنه‌ای در رابطه با حفظ کیان مرز و بوم ایران عزیز و قدرت موشکی ایران عزیزمان مطالبی را در اختیار شما عزیزان قرار دهیم.

و در مورد گمنامانی صحبت کنیم که با هر چه غیر خداست در قلبشان ستیز کرده‌اند و قلبشان از زنگار هر محبتی غیر از محبتش زوده‌اند. فقط و فقط به او اندیشیده‌اند و در آتش محبتش گداخته شدند. بزرگانی که تنها حاکم قلبشان ذات اقدس الهی است و حریم قلبشان از لوث هر غیر پاک است. آنگاه که آنان پا بر نفس خود نهادند و دیگر منی و مایی در میان نبود و هرچه بود فقط خدا بود، خداوند متعال این عاشق‌ترین معشوق هستی، بوسه‌ی مهری بر پیشانی اش می‌زند. دیگر کالبد جسم یارای تحمل بزرگی روح این شهیدان را ندارد. بی‌قرار و سرگشته در کوه بیابان وصال یار می‌طلبند و از هجر یگانه معشوق کبریایی خود فغان می‌کنند. زمانی که آتش عشق خداوند متعال نفس‌شان را گداخت و گوهر اخلاصشان را هویدا کرد، شایسته محفل انس الهی می‌شوند. آن لحظه است که خداوند متعال بر بزم انس خویش می‌نشانده‌شان و دست نوازش بر جبینشان می‌کشد. نام بندگان را بر بلندای هستی فریاد می‌زند و فخر می‌کند به وجودشان. آنان را نوری قرار می‌دهد از انوار الهی و می‌تابند بر بندگان که برایشان از مادر مهربان‌تر است. تا این انوار الهی چراغی باشند برای سلوک الی الله و ستارگانی باشند برای هدایت بندگان در دل ظلمات و تاریکی این جهان. محبوب قلوب مومنین خواهند شد و امید راه پر فراز و نشیب پیش رویشان...



پازل

۸- از سوره های مکی

۹- برگ برنده

۱۰- بازی های دسته جمعی

۱۱- قیمت بازار

۱۲- جواب موشک

۱- اسب آذری

۲- موشک شهاب متعلق به کدام کشور است؟

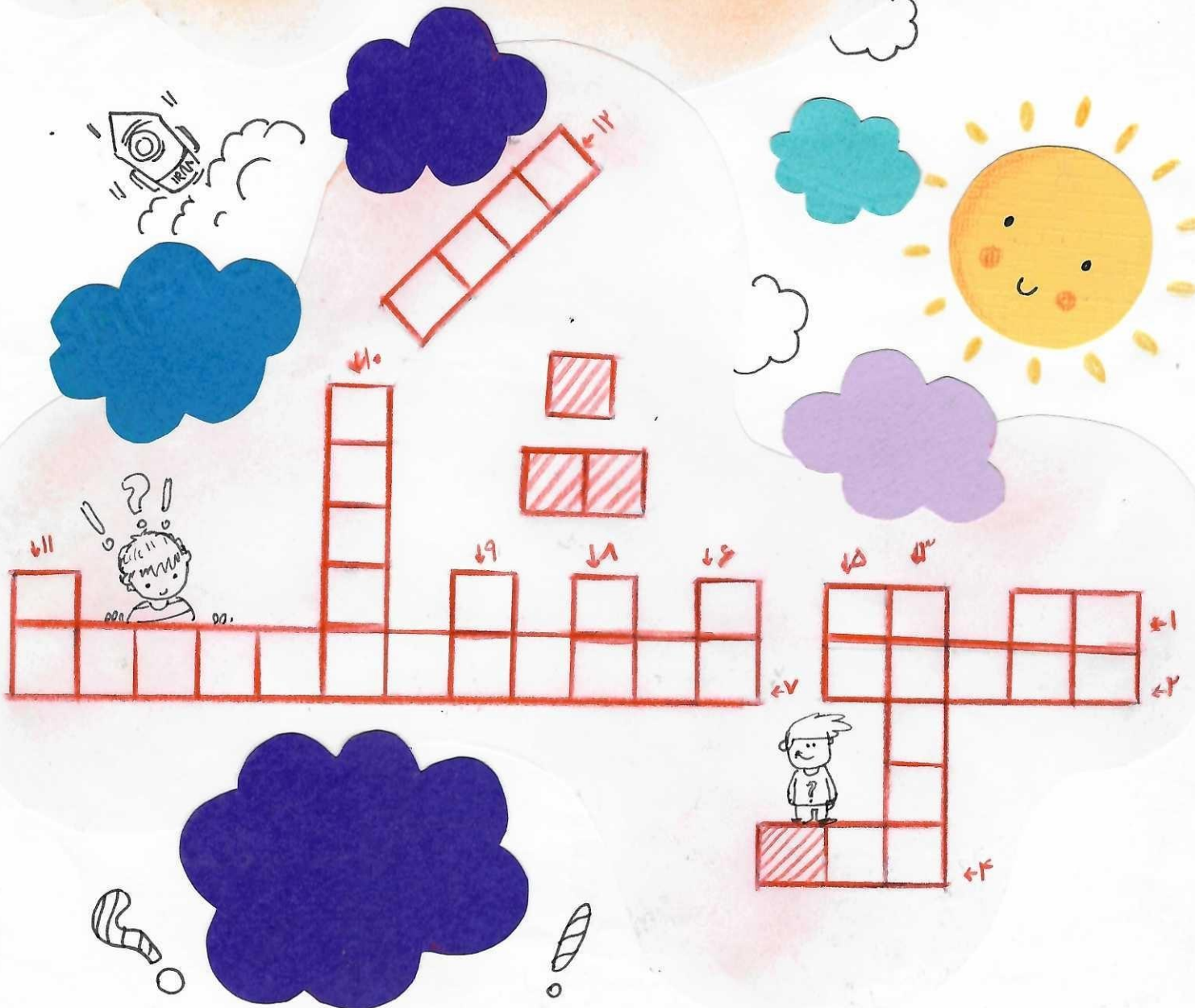
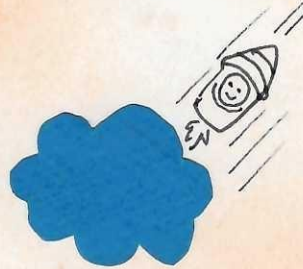
۳- اسمی پسرانه

۴- قبل عدد ده

۵- خودت

۶- آرواره

۷- حضرت آیت الله خامنه ای این سخن را در مورد چه کسی گفته است "در راه خدا از هیچ کس و هیچ چیز پروا نداشت."



هفدهمین روز

روایتی متفاوت از خود کفایی صنعت موشکی ایران می باشد.

کتاب هفدهمین روز کتابی چندرسانه ای است که به نحوه تشکیل گردان موشکی و آغاز خودکفایی ایران در تأثیرگذارترین و بازدارنده‌ترین سلاح جنگی پرداخته است.

هفدهمین روز کتابی است روایی و مستند از سه سال اول تولد یگان موشکی ایران؛ روایتی کوتاه و پیوسته از روزهایی که امید و ناامیدی به هم گره خورده بودند تا مهم‌ترین تقدیر را در تاریخ دفاعی ایران به تصویر بکشند؛ این کتاب علاوه بر محتوای متنی، محتوایی همچون فیلم، تصویر و صوت را نیز شامل می‌شود. که در سرفصل‌های مختلف به قدرت موشکی ایران از ابتدا که ایران اولین موشک خود را از سوریه خریداری کرده و تا امروز که قدرت برتر جهانی شده است پرداخته است. که با بیانی سلیس و روان برای نوجوانان به صورت داستان نوشته شده است.

خواندن این کتاب را به تمامی نوجوانان عزیز توصیه می‌کنیم.

تالیف و تدوین کتاب: فاطمه عالمی، محمدحسین بارونقی

نشر شهید کاظمی

چاپ اول ۱۴۰۱

مصائب و خاطره امر از جانباز ۷۰ درصد



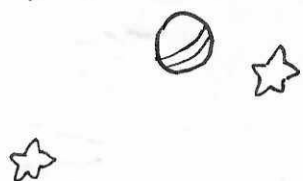
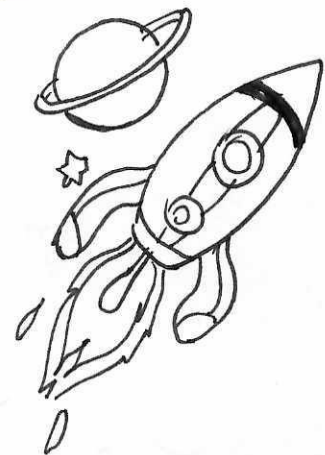
قهرمانان وطن

"ابراهیم قربانین" جانباز ۷۰ درصد جنگ تحمیلی متولد سال ۱۳۴۱ است که در عملیات خیبر با استنشاق گازهای شیمیایی به شدت مجروح شد. این جانباز خاطره مجروحیتش را اینطور روایت کرد: در عملیات خیبر جزو اولین گروه جهاد سازندگی بودم که با بالگرد به جزیره مجنون رفتیم. همان روز یک موتور قرمز یاماها به ما دادند. چند ساعتی که گذشت، یکی از نیروهای اطلاعات و عملیات به سراغم آمد و گفت: «دلش را داری یا من بیایی تا یک لودر جا مانده از دشمن را به تو نشان بدم؟!» خوشحال شدم و با او رفتم. دو کیلومتر با محل ما فاصله داشت. برگشتم و برایش باطری بردم، روشنش کردم و آن را عقب آوردم. لودر کوماتسوی ۱۵۵ خوبی بود. یکی دو روز که در جزیره مجنون با لودر عراقی‌ها کار کردیم، خوب بود، ولی بلدوزر نیاز داشتیم. هنوز اوایل عملیات بود و امکان حمل بلدوزر از طرف ایران نبود، باز هم همان نیروی اطلاعات و عملیات به سراغم آمد و گفت: «از تو خوشم آمده پسر شجاعی هستی! بیا برویم تا یک بلدوزر عراقی‌ها را بیاوریم. فقط باید لباس عراقی بپوشی تا لو نرویم!» با هم جلو رفتیم. از خط خودمان گذشتیم. به سراغ یک بلدوزر که مشغول به کار بود، رفتیم. کمی با او به عربی حرف زد تا متقاعد شد که فرمانده نیروی جدید فرستاده است تا او برای استراحت برود. موتور را هم که برای نیروهای عراقی بود به آن راننده خوشحال شد و بلدوزر را به من داد.

نامه دادم تا آن راننده از دید ما خارج شد. بعد هم به طرف نیروهای خودمان حرکت کردم. ساعتی گذشت تا به آنجا رسیدیم. اذان صبح شده بود. یک دفعه دیدم سه دستگاه تانک آن‌ها به طرف ما می‌آیند. توپخانه ف آن‌ها کرد. من هم به سرعت یک سنگر درست کردم و بلدوزر را در پناه خاکریز آن قرار دادم. برادر، خودمان را از بالای بلدوزر به پایین پرتاب کنیم.

مستقیم تانک غرق آتش شد. چند روزی که در جزیره مجنون بودیم، برایمان بلدوزر خاکریز می‌زدیم. چند هواپیما آمدند و بمباران کردند. برایم عجیب بود! عوض آن فضا پیچید. وقتی در بیمارستان اهواز به هوش آمدم گفتند شیمیایی شده‌ام. ف هم نمی‌توانستم بزنم، از آنجا به بیمارستان لبافی نژاد تهران منتقل

نس به دامغان منتقل کردند. عینک دودی داشتم و موهای سرم هم رم تا آن موقع تماشا می‌کرد و کسی هم قبلا از مجروحیت صحبت او را به خانه ما بیاورید؟



تقلید پدیده

متاورس پدیده ای است که زمان طولانی از طرح آن در سطح جامعه نگذشته است. پدیده ای که علاوه بر آن که دیدگاه ما را نسبت به جهان تغییر می دهد بلکه نحوه حضور ما در جهان را نیز تحت تاثیر قرار می دهد. جهانی که به نظر می رسد دنیای آینده ما را خواهد ساخت و بعدی دیگر به زندگی ما خواهد افزود. فضایی که به بهم پیوستن اینترنت اشیا، عینک های واقعیت مجازی و واقعیت افزوده و حسگرهای نوین که حواس پنجگانه ما را تقلید می کنند، دیگر چندان مجازی نخواهد بود. آری زندگی در این جهان زیستی است به موازت زیست کنونی بشر که محدودیت های زندگی فیزیکی کنونی را ندارد. متاورس دنیای است که مرزهای آن را صرفا خیال و بلندپروازی بشر محدود خواهد کرد نه محدودیت های علم فیزیک. شاید متاورس را بتوان تلاشی برای تحقق زندگی اجتماعی در غار تنهایی انسان قرن حاضر دانست. انسانی که علی رغم توسعه ابزارهای ارتباطی در دنیای کنونی تنهاست و غرق در دنیای مجازی گذران زندگی میکند اما هنوز نیز به آرامش خود دست نیافته است. متاورس شاید پاسخی باشد به نیاز اصیل یک انسان در ارتباطی تنگاتنگ با همنوعان خود اما اینبار در غار تنهایی که عصر ارتباطات برای او ساخته است. باید این دنیای آتی را از پیش دید و برای ورود به آن برنامه ریزی کرد. دنیایی که دیگر محدود به خواندن و نوشتن و دیدن نیست. دنیایی مجازی که در آن می توان لمس کرد، بویید، چشید، دید، خرید کرد، فروخت، آموخت و هر عملی که در جهان واقعی می تواند انجام داد در آن جهان نیز ممکن است. در این دنیا شما زندگی خیالی خود را خلق خواهید کرد و در آن زیست خواهید داشت.



آیا شنیدهایم

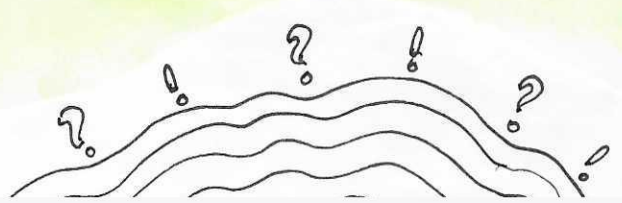
آیا می دانستید بدن پوست می اندازد؟

پوست فعلی بدن شما تا یک ماه دیگر می ریزد، ۳۰ تا ۴۰ هزار از سلول های پوستی ما در هر روز می ریزد.

در واقع، همین حالا که این جمله را می خوانید بیش از ۱۰۰ سلول پوست شما ریخت.

اما به همان سرعت هم دوباره تولید می شود. لایه برداری منظم دو بار در هفته به خلاص شدن

از سلول های مرده و ایجاد لایه تازه کمک می کند.

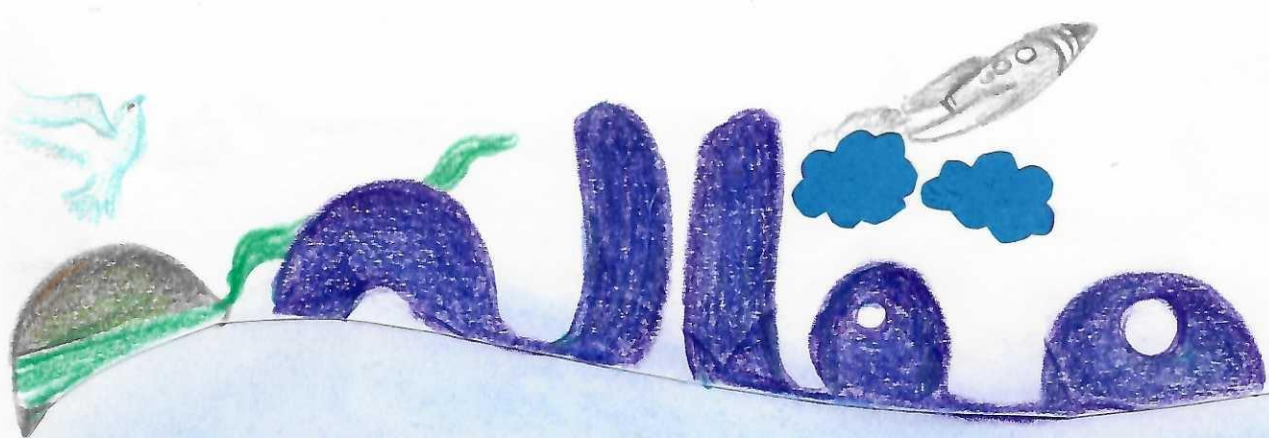


میراث شهدا



پدر موشکی ایران

حسن طهرانی مقدم در ۶ آبان ماه ۱۳۳۸ در محله سرچشمه، تهران زاده شد. وی که در اولین روزهای تشکیل سپاه پاسداران، به عضویت این نهاد درآمد، در دوران جنگ ایران و عراق، نخستین فرمانده توپخانه سپاه و بنیانگذار واحد توپخانه در سپاه بود. پس از آن طهرانی مقدم مسئولیت واحد توپخانه را به حسن شفیعزاده واگذار کرد و به یگان موشکی سپاه پاسداران رفت و مسئولیت این یگان را برعهده گرفت. او همچنین در تشکیل و بنیان‌گذاری فرماندهی موشکی سپاه پاسداران تأثیرگذار بود. حسن طهرانی مقدم با پایان جنگ، وارد حوزه تحقیقات و توسعه فعالیت‌های موشکی در سپاه پاسداران شد و مسئولیت ریاست سازمان جهاد خودکفایی سپاه را برعهده گرفت. در دوران پس از جنگ ایران و عراق، طهرانی مقدم وظیفه مدیریت بر پروژه ساخت چند موشک را در واحد موشکی سپاه را برعهده داشت. و به عنوان یکی از پایه‌گذاران برنامه موشکی در سپاه پاسداران شناخته می‌شود و به «پدر موشکی ایران» معروف است. طهرانی مقدم در سال ۱۳۹۰ در پی حادثه انفجار زاغه مهمات واقع در پادگان مدرس کشته شد.



اصل و اساس قدرت برتری جمهوری اسلامی ایران بر خواست و اراده ملتش استوار است. ملتی با تاریخی پر فراز و نشیب اما پر افتخار و سراسر حماسه. ملتی که در سراسر تاریخ همواره مورد سوء نیت بدخواهان و کینه اندوزان و حسد ورزان این مرز و بوم قرار گرفته‌اند. دشمنان این مرز و بوم این بدطینتان بداندیش همواره چشم بر این مرز و بوم دوخته بوده‌اند و منتظر اندک نقطه ضعفی هستند، تا بر این مرز و بوم تاخته و فرهنگ و تاریخ گرانقدر این ملت را از بن برکنند و ثروت زایدالوصفش را به تاراج برند. جمهوری اسلامی مبنای اقتدار و حاکمیت خود را بر پایه پشتیبانی و خواست مردم بنا نهاد و از روز نخست پیدایش خود مشروعیت خود را از پذیرش مردمی با فرهنگ و با بصیرت گرفت. دشمنان این مرز و بوم خشمگین از این پذیرش و مشروعیت در انتظار فرصتی بوده‌اند که بر این سرزمین بتازند و با هر ابزاری مردم این مرز و بوم را از جمهوری اسلامی ایران ناامید سازند. پس از آن این حصن مستحکم حمایت مردم و مردمسالاری فروریخت بر این مرز و بوم بتازند و موجودیت این سرزمین را با چالش روبرو سازند.

مردم وفادار این مرز و بوم با قلبی سرشار از عشق وطن همواره در طول تاریخ انقلاب از جان خود برای حفظ کیان این مرز و بوم مایه گذاشته‌اند و نهال این سرزمین را با خون خود آبیاری کرده‌اند. از دست دادن چنین مردمی برای هر حکومت و حاکمیتی سخت و گرانبار خواهد بود. جان مردمانی فداکار و از جان گذشته که تداوم حیات هر حکومتی را با بالاترین حد ایثار یعنی ایثار جان تضمین میکنند را اکسیری لازم است که این ملت رشید را روئین تن نماید تا جان آنان را از تیغ کین دشمنان در امان بدارد. آری قدرت نظامی و موشکی این مرز و بوم چونان اکسیری است که این ملت را در برابر حمله اهریمنان رویین تن کرده است. اکسیری که با پشتوانه آن دشمنان شیطان صفت این مرز طمع یورش به مرزهای این کشور را از یاد برده‌اند. آری قدرت موشکی تضمین مردمسالاری و جمهوریت در این مرز و بوم است تا اگر کسی این مشروعیت و اقتدار را هدف قرار دهد با مشت آهنین مواجه شوند.

آری تهرانی مقدم‌های این مرز و بوم شهدای راه جمهوریت و مردمسالاری در این مرز و بومند. شهیدانی که جان خود را وقف ایجاد ضمانت اجرایی برای خواست و اراده ملت نمودند. این ملت روئین تن اکنون خود را مدیون خون این شهیدان میداند و از صمیم قلب به مقام رفیعشان غبطه میخورد.

